

## سیری در زندگی، افکار و اندیشه های عطا ملک جوینی

## واژگان کلیدی

\* خاندان جوینی

\* منابع تاریخی

\* سلسله

\* قشر اجتماعی

\* سازمان های دیوانی

رویا دهقانی \* Rdehghani1397@gmail.com

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد دهقان

## چکیده

بر اساس منابع تاریخی، خاندان جوینی مشاغل آباء و اجدادی خود را به کفایت بر عهده می گرفتند این خاندان از سلسله مردان برجسته ای تشکیل می شوند که برای سه تا چهار نسل به عنوان شخصیت هایی شناخته شده در خدمت سازمان های دیوانی ایران قرار داشتند و به دور از دغدغه های حکومتگران که غالباً نیز غیر ایرانی بودند و همانطور که نگارنده در این مقاله اشاره کرده است مسوولیت خود را انجام می دادند.

خاندان جوینی به حقیقت نمونه ای از قشر اجتماعی خاص دیوانی ایران هستند که چنانچه در این مقاله می بینیم در عرصه روزگار و تاریخ ایران نامی ماندگار از خود برجای نهاده اند. تحقیق درباره خاندانی که نقش پراهمیتی در حیات دیوانی ایران آن هم در بحرانی ترین روزگاران حیات اجتماعی داشتند، مسأله ای بسیار مهم و اساسی است و همچنین نحوه پایداری و استقامت مستمر این خاندان در برابر زورگویی ها و خشونت های قوم جاهل و ویرانگری نظیر مغولان نکته مهمی است که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

## مقدمه

قرن هفتم هجری شاهد یکی از فتنه های جانگزا و ویرانگر جهان بشریت یعنی فتنه مغول بود. در اوایل همین قرن بود که چنگیز مؤسس دولت مغول ظهور کرد. در سال ۶۰۲ چنگیز به خانی رسید و با سلطان محمد خوارزمشاه مجاور شد؛ در این هنگام حادثه ی قتل بازرگانان مغول اتفاق افتاد و این امر بهانه ای به دست چنگیز داد وی به قصد انتقام به خوارزم لشکر کشید و در عرض چند سال قسمت بزرگی از خوارزم، خراسان و عراق را به دست آورد و مردمان آن بلاد را قتل عام کرد و بسیاری از مردم بیگناه را کشت.

چون خبر کشته شدن بازرگانان مغول به چنگیز رسید، سفیری پیش سلطان فرستاد و از او خواست غایر خان را که مرتکب چنین رفتار نابهنجاری شده به وی بسپارد. خوارزمشاه مغرور به جای آنکه غایر خان را به چنگیز خان بسپارد و از فتنه ی مغول جلوگیری کند فرستاده ی چنگیز را نیز کشت و با این رفتار بیخردانه خود گناهی نابخشودنی در تاریخ ایران مرتکب شد؛ آن هجوم سیل آسای مغول به ایران بود (قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۱)

بر اثر حمله چنگیز و جانشینانش به ایران و سایر کشورهای آسیا زیان های مادی و معنوی بسیاری به این کشورها رسید. فرهنگ پر بار ایران صدمات سختی خورد. دانشمندان و شاعران از عرصه ی دانش و هنر بازماندند.

در روزگار مغول، طبع کنجکاو انسان ها و علاقه به کسب خبر و آگاهی از جریان وقایع باعث شد که فن تاریخ نگاری رشد بیشتری یابد.

در عصر مغول مورخان بزرگ با آثاری مهم در زمینه ی تاریخ پا به عرصه وجود گذاشتند. که در این میان جهانگشای جوینی که پیش تر از آن ها تألیف شده تقدم دارد و در باب مغول تنها مأخذ معتبر به شمار می آید.

خانواده صاحب دیوانیان یکی از قدیمی ترین و مشهورترین خانواده های نجیب ایران که در دولت سلجوقیه و خوارزمشاهیان و مغول همواره مصدر خدمات عمده و مشاغل عالیه بودند و غالباً وظیفه صاحب دیوانی (که عبارت بود از اداره نمودن امور مالیّه و عایدات مملکت و تقریباً معادل بوده با وظیفه ی مستوفی الممالک در ایران که محول به ایشان بوده است. غالب افراد

این خانواده معروف اند به صاحب دیوان هر چند شغل بعضی از ایشان فعلاً منحصر به صاحب دیوانی نبوده است مانند شمس الدین محمد جوینی برادر او (شعار، ۱۳۸۴: ۱۳)

خاندان جوینی یاد و نامی نیک و آثار آبادانی از خود برجا گذاشتند و عطا ملک جوینی به همراه برادر خردمندش خواجه شمس الدین نام خود را تارک قله رفیع فرهنگ و ادب ایران زمین به گونه ای جاودانی ثبت نمودند.

### زندگی نامه ی جوینی

علاء الدین عطاملک بن بهاء الدین محمد جوینی از خاندان بزرگ جوینی بود مردانی از این خاندان خاصه عطاملک و برادرش شمس الدین در زمان امرای مغول و ایلخانان در دستگاه امرا و پادشاهان به خدمت دیوانی مشغول بوده و مقام های مهمی داشته اند؛ شماری از علما و فضلا و شعرا و بزرگان به خاندان جوینی به ویژه عطاملک و شمس الدین توجه داشته، به نام ایشان به تألیفاتی پرداخته اند، از جمله آن ها خواجه نصیرالدین طوسی است.

عطاملک به سال ۶۲۳ هـ ق در جوین زاده شد و از اوایل جوانی به کار و دیوان اشتغال داشت. نزدیک به ۱۵ سال دبیر خاص امیر ارغون آقا حاکم مغول در شهرهای ایران و گرجستان و آسیای صغیر و جز آن بود و در خدمت همین امیر به قراقرم پایتخت مغول سفر کرد عطاملک به هنگام آمدن هولاکو به ایران از دبیران خاص وی گردید و سپس از جانب هولاکو و پسرانش اباقا و احمد تکودار حدود ۲۴ سال حاکم بغداد و سراسر عراق عرب شد و در اواخر عمر گرفتار توطئه مجدالملک یزدی گردید و زیان های مالی و جانی بسیار بر او رسید. اما خود مجدالملک نیز مورد غضب ایلخان قرار گرفت و سرانجام کشته شد.

در باب چگونگی مرگش می نویسند که در سال ۶۸۱ ارغون بن اباق از خراسان به سمت بغداد متوجه شد، چون به بغداد رسید؛ گفت بقایایی که بر علاء الدین است و در زمان پدرم بوده، طلب می دارم. متعلقان علاءالدین را گرفت و مؤاخذه و مطالبه می نمود و نجم الدین اصغر را که نایب و پیشکار علاءالدین در بغداد بود و به تازگی وفات کرده بود، فرمان داد تا از خاک بیرون آوردند و در راه بینداختند چون آن خبر به علاءالدین رسید، از شدت تغیر و تألم

سرردی سخت گرفت و در چهارم ذی الحجه ی ۶۸۱ ه.ق در مغان یا ارژان درگذشت (شعار، ۱۳۸۴: ۱۵)

عطا ملک جوینی در تمام یعنی مدت هولاکو در حکومت بغداد برقرار بوده و پس از وفات هولاکو در ۱۹ ربیع الاخر سته ی ۶۶۳ و جلوس پسرش آبقا در ۳ رمضان از سنه ی مذکور آبقا وزارت را هم چنان بر قاعده ی سابق به شمس الدین محمد قزوینی ارزانی داشت و ممالک بغداد و فارس را به سونجاق از امرای بزرگ مغول داد و علاء الدین عطا ملک را در بغداد به نیابت امیر سونجاق آقا نصب فرمود. (قزوینی، ۱۳۸۷: ۲۷)

عطاملک حاکمی عادل و امیری دانشمند و با فرهنگ بود و در دوران حکومت خود بر عراق عرب و خوزستان به تجدید خرابی ها و ویرانی های بیگانگان پرداخت و به کمک برادرش شمس الدین بر بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم محنت زده عهد خود مرهم نهاد.

در اواخر سلطنت آبقا این خانواده نجیب مبتلا به بلیه سعایت مجدالملک یزدی گشتند و به زودی حاکمان ایشان جمعاً در سر آن کار تباہ شد و اکثر ایشان عرصه تیغ مغول گردیدند و مجدالملک خود نیز در این کار سر بداد. (قزوینی، ۱۳۸۷: ۳۱)

### تفکر و اندیشه در جهانگشا

جوینی مؤرخ، ادیب، پرورش یافته در مهد فرهنگ اسلامی، صاحب دیوان و دولت مرد است و از اینرو عناصر فکری خاص خود را دارد و همین عناصر طبعاً مایه های اصلی کتاب او را می سازند. وی رویدادهای تاریخی را با دقت و بررسی کامل می نویسد و کوشش می کند چیزی را فروگذار نکند و سخنی بر خلاف حقیقت نگوید و این امر ناشی از ایمان و فرهنگ و دین اوست. به سرزمین نیاکان خود به ویژه خراسان سخت علاقمند است و این علاقه را از شیوه ی بیان حوادثی که بر آن دیار گذشته؛ است می توان دریافت. انسان دوست و فرزانه است.

سخنان رقت انگیز و تأثیر آور او درباره ی وقایع مغول که از دلی دردمند برخاسته، از این معنی حکایت دارد، کشته شدگان بازرگانان مغول به دست حاکم اترار، که خشم چنگیز را برافروخت

و سبب کشتار و ویرانی عظیم گردید، دل عطاملک را آن چنان به درد آورد که با نهایت تأثر می نویسد: غایرخان بر امتثال اشارت ایشان را (بازرگانان را) بی مال و جان کرد بلکه جهانی را ویران و عالمی را پریشان و خلقی را بی خان و مان به هر قطره ای از خون ایشان جیحونی روان شد و قصاص هر تار مویی صدهزاران سر به سر هر کویی گردان گشت و بدل هر یک دینار هزار قنطار پرداخته شد. (شعار، ۱۳۸۴: ۱۸)

فرهنگ دینی همه جا بر قلم جوینی حکم فرماست. حوادث را با معیارهای دینی ارزشیابی می کند. در بیان حوادث دوران مغول که محور آن ها چنگیز و حاکمان مغول بود همواره دین اسلام و مشیت الهی را در کار می بیند.

جوینی دست کم می کوشد اعمال این فرمانروایان را انسانی جلوه دهد.

جوینی ظهور مغول را مصداق حدیث پیامبر (زویت لی الارض..می داند و ادعا می کند که خروج لشکر بیگانه ی مغول سبب می شود که لوای اسلام افروخته و شمع دین افروخته تر گردد. آفتاب اسلام به دیار چین و ترکستان سایه افکند چنانکه بانگ تکبیر و اذان جای راز و نیاز با بتان را بگیرد، از سوی دیگر به حدیثی در باب ترکان متوسل می شود به مضمون (ترکان را به حال خود گذارید مادام با شما کاری ندارند، زیرا آنان سخت نیرومند و دلیرند) و حتی کشتار مردم مسلمان و ویرانی بلاد اسلام را تنبیه الهی می شمرد که به دست چنگیز انجام گرفته است.

مضمون توجیه جوینی چنین است: چون در هر دوره و قرنی بندگان خدا به سبب نعمت و رفاه سر به طغیان می برداشتند و دامن به گناه می آلودند، خداوند تأدیب و مؤاخذه شان می کرده، چنانکه قوم نوح را با طوفان آب و ثمود را با صیحه عذاب کرد، اما اینگونه عذاب ها از امت محمد (ص) برداشته شده.)) (همان: ۱۹)

گاهی فرهنگ دینی جوینی رنگ عرفان می گیرد. صبر در برابر مصائب امری است که اسلام بر آن تأکید دارد، اما تحمل هرگونه مصیبت و خواری ریشه ی عرفانی دارد.

در حمله ی چنگیز به بخارا که جوینی آن را از زبان یک خراسانی چنین نقل می کند: (آمدند، کدند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.) آنگاه که اوراق قرآن مجید در میان قاذورات

لگدکوب می شود. امیر امام جلال الدین مقتدای سادات ماوراءالنهر به امام رکن الدین امامزاده علمای آن عصر می گوید: مولانا چه حالت است؟ اینکه می بینم به بیداری است یا رب یا به خواب؟ مولانا امامزاده می گوید خاموش باش، باد بی نیازی خداوند است که می وزد، سامان سخن گفتن نیست. (موسویان، ۱۳۸۴: ۱۹)

بزرگترین اشتباه سلطان محمد خوارزمشاه این بود که وقتی به او خبر دادند چنگیز در حال لشکرکشی به طرف ممالک سلطان است، دستور داد تا اطراف سمرقند با آن وسعتی که داشت دیوار بکشند و به جهت تهیه هزینه این دیوار مالیات یکساله را جمع آوری کنند. این پول در مدت زمان کمی جمع آوری شد. (اشرفی، ۱۳۸۱: ۴۸)

### تحلیل اجتماعی و سیاسی جهانگشا

جهانگشا تاریخ محض نیست، بلکه مؤلف گاهی به اوضاع اجتماعی دوره ی مغول و ایلخانان می پردازند نظیر آنچه که باعث شکست خوارزمشاهیان و انقراض مدنیت ایرانیان در برابر حادثه ی تاتار و نیز علت های واقعی دیگر که سبب پیشرفت کار چنگیز و اتباع خونخوارش گردیده، آورده است.

روحیات مغولان را از لابه لای نوشته های جویی می توان فهمید: طرزحکومت، آداب و رسوم، قوانین و مقررات، روابط اجتماعی مردم، شیوه های جنگ و گریز و حتی نحوه شکار کردن آن ها در جهانگشا مندرج شده است.

مغولان نمی توانستند القاب و عناوین متعددی داشته باشند و اگر کسی به سلطنت می نشست بر اسم خود لقب خان یا خان را می افزود و شاهزادگان را به همان نام می خواندند که از کودکی داشتند چه در حضور و چه در غیاب. شکار در یاسای چنگیزی در مدت زمستان که وقت جنگ نبود، امری جدی محسوب می گردید و با قوانین و شرایط خاصی همراه شده بود.

لشکریان مغول همه وسایل کار خویش را از سلاح های گوناگون تا درفش و سوزن و مرکب و ساز و برگ آن خود تهیه می کردند. تصرف در اموال مردگان در نظر مغولان و نبایر یاسا بسیار زشت و مطلقاً روا نبود آن را به خزانه راه دهند، زیرا به فال نیک گرفته نمی شد. مجازات سرقت و زنا قتل بود. نافرمانی فرزند از پدر، زن از شوهر و شراب خواری و متابعت از خشم و

غضب و نزاع و زد و خورد افراد مغول با یکدیگر تنبیهی سخت داشت مرتکب جاسوسی و دروغ و سحر و جادو محکوم به مرگ بود. مغولان موظف بودند که هم نژادان خود را یاری دهند و دیگران را قتل عام کنند. هیچ مغولی را نمی توانستند به خدمت و غلامی برگزینند و این شغل از آن ملت های مغلوب بود و هیچ غلامی نمی توانست صاحب خود را ترک کند و اگر کسی به او پناه و غذا می داد و یا اگر او را می دید و نزد صاحبش نمی برد مستوجب قتل بود. (شعار، ۱۳۸۴: ۲۲)

نکته بسیار مهم درباره ی قبایل مغول و تاتار اهمیتی است که آنان به تربیت فرزندان خود می دادند تا ایشان را برای زندگی سخت بیابان و جنگ و ستیز و ایلغار و هجوم آماده کنند و در این راه پسران حتی اولاد خانان را از سنین کم و آغاز کودکی به تیراندازی و شکار و سواری عادت می دادند که بر موقعیت های بعدی آنان مؤثر می بود.

کشتی گیری و مشت زنی و تماشای آنان مورد علاقه ی مغول بود. به خرافات و شیاطین و ارواح خبیث و اثر آن ها در امور عالم و سحر و جادو اعتقاد داشتند. از رعد و برق سخت می ترسیدند و هنگام بروز آن ها از ترس ساکت می ایستادند و اگر کسی را برق می زد، کسان آن را تا سه سال از قبیله می رانند. تابستان ها در آب سرو تن و دست و رو نمی شستند و با ظروف زرین و سیمین آب برنمی داشتند و جامه ی شسته در صحرا نمی افکندند تا مبادا رعد و برق بسیار حادث شود و در این بابها دستور هایی در یاسای چنگیزی مذکور بود. (شعار، ۱۳۸۴: ۲۱)

### خاندان جوینی در دربار مغولان

در مغولستان افرادی بیانگرد می زیستند که اقتصاد شبانی و زمین های مشترک برای چراگاه و کوچ داشتند و به قبایل متعدّد تقسیم می شدند؛ یکی از آنها قبیله قیات بود که چنگیز به آن تعلق داشت پدر چنگیز از دیگر طایفه های ایل خود جدا شد و خود را رهبر طایفه ای ساخت و شمار بسیاری از مغولان را گرد خود آورد او با هدف تسلّط و رهبری یافتن بر جامعه ایلی مغول با سران دیگر طایفه ها و قبیله ها به جنگ پرداخت و یک یک بر آنان پیروز ی یافت. با برآمدن چنگیز، بزرگان صحرا نشین که می دیدند در اردوهای خود نیاز به نظم دارند و از سویی هم به جنگ با بیگانگان برای تحصیل غنیمت که از راههای گذران زندگی شان بود

اهمیت می دادند؛ احساس کردند که رهبر حقیقی خود را یافته اند و به ایجاد امپراتوری عظیم خود در مغولستان و توسعه آن پرداخت. (رجب پور، ۱۳۸۲: ۱۰)

افراد برجسته و مشهور خاندان جوینی با همکاری و استعانت دوستان برجسته و دیگر فرزندان لایق این آب و خاک، توانستند حدود نیم قرن در دوره ی استیلا ی مغول، کلیه ی امور مملکتی و اداری اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی را در دست بگیرند. آنان بر مسند وزارت و صدارت حکومت تکیه زده در پیشرفت ایران و بهبودی اوضاع و احیای تمدن و فرهنگ این سرزمین تلاش فراوانی نمودند.

علت اشتهار خاندان جوینی به لقب صاحب دیوان که از قدیمی ترین و مشهورترین خانواده های نجیب ایرانی هستند، اشتغال برخی از بزرگان و افراد برجسته ی این خاندان به شغل صاحب دیوانی در دوره های قبل از مغول است. این افراد در دولت سلجوقیان و خوارزمشاهیان، دارای مشاغل مهم و مصدر خدمات عمده بودند، شمس الدین محمد جوینی از شعراء نویسندگان و وزراء بنام ایران است که در بسط و نشر و علم و عمران و آبادی خدمات شایان تحسین انجام داد. وی در ابتدای عمر، علوم ادبی را نزد عماد الدین قزوینی قاضی نخجوان خواند و بعدها وارد خدمات دولتی شد.

علاء الدین عطا ملک جوینی پس از سرنگون شدن خلافت عباسی به دست هولاگو برادر بزرگتر شمس الدین محمد صاحب دیوان وزیر اعظم نخستین ایلخانان ایران از هلاگو تا احمد تگودار بود این هر دو برادر مدیر و دانشمند در تاریخ سیاست و ملک داری و ادب ایران زمین ممتاز بودند.

جوینیان خود را از نوادگان فضل بن ربیع حاجب خلفای عباسی می دانستند. پدر عطاملک بهاء الدین محمد در خدمت حاکمان و شهنگان مغول که در فاصله میان فتوحات چنگیز و آمدن هلاگو به ایران به حکومت غرب آسیا معین می شدند، بودند. (رجب زاده: ۱۳۸۶: ۸)

### فراز و نشیب های زندگی علاء الدین عطاملک

عطاملک چنانکه خود گفته است در نوجوانی به دیوان راه یافت و از دبیران خاص امیر ارغون شد.



امیر ارغون پانزده سال و تا آمدن هلاگو به ایران از سوی خان مغول حاکم همه ی سرزمین های غرب جیحون بود؛ عطاملک چند بار حکمران مغول که برای گزارش به اردوی قآن می رفت به چین و مغولستان سفر کرد. پس از آمدن هلاگو به ایران عطاملک از دبیران خاص او شد و پس از فتح الموت از هلاگو اجازه یافت تا کتابخانه ی نفیس اسماعیلیان را برسد و به خزانه ایشان رفت و ابزار نجومی و کتاب های ارزنده ی آنجا را جدا و نگهداری کرد. (رجب زاده، ۱۳۸۶: ۱۱)

به رسم دبیرین و پایدار با مقام بلندی که عطاملک در دستگاه حکومت داشت دشمنان و بدخواهان او و برادرش شمس الدین را آسوده نمی گذاشتند.

سرسخت ترین بدخواه پرکینه ی این دو مجدالملک یزدی بود. که هرچند شمس الدین محمد او را ترقی داده بود به بدگویی و دشمنی وی برخاست؛ پس از مدتی چون نتوانست به وی آسیبی برساند به آزار عطاملک پرداخت او بارها با تهمت های گوناگون و انگیختن قوی داستان حامی خود کوشید تا این دو برادر را از چشم ایلخان بیاندازد و اینان هر بار با توسل به حامیان خود از شاهزادگان و خاتونان مغول فتنه را از سر گذراندند.

مجدالملک چون دید که مکر و اسباب چینی های او در کار صاحب دیوان اثر نمی کند به آزار برادرش علاءالدین برخاست، تا آنجا که آباقا فرمان داد تا علاءالدین را گرفتند و به اتهام برداشتن مال دیوان به محاکمه آوردند علاءالدین متقبل شد که سیصد تومان زر بدهد آن را گرفتند و بیشتر مطالبه کردند و او را زندانی ساختند و به انواع ضرب و شکنجه آزار می دادند، تا هرچه داشت واگذاشت و اموال فرزندان را نیز فروخت و داد و سخت پریشان احوال شد و مرتبه مجدالملک بالاتر رفت. (نجیب زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۱)

عطاملک شرح مصیبت های سال های آخر عمر را در دو دفتر جداگانه نوشته، که اولی تسلیت الاخوان نام دارد و دومی متمم آن است و کسانی با حمایت شمس الدین صاحب دیوان، مجدالملک را به برداشتن مال دیوان و نیز تبانی با ارغون که مدعی سلطنت بود متهم ساختند و سلطان احمد تگودار امر به محاکمه ی او داد چون نوشته های (جادوگرانه) که مغولان از آن وحشت دارند، نزد او یافتند. ایلخان امر به قتل او دادند و گروهی از عوام او را به وضع دلخراشی کشتند. یاران او را هم در اطراف مخصوصاً در بغداد، به قتل رساندند. (همان: ۱۲)

## عظاملک و فضلا و شعرای هم عصر وی

خاندان جوینی در دولت مغول، همچون آل برمک در عصر عباسیان، همه اهل فضل و ادب و صاحب جود و کرم و هنرپرور و علم دوست بودند.

یکی از دختران عطا ملک در سال ۶۷۱ ه.ق به نکاح شیخ صدرالدین ابوالمجامع نواده ی محمد بن حمویه جوینی شافعی در آمد. این شیخ صدرالدین حمویه همان کسی است که غازان خان در سال ۶۹۴ ه.ق بدست او اسلام آورد و در دولت ایلخان بسیار محترم بود. (موسویان، ۱۳۸۴: ۱۱)

از شاعران پر آوازه ی معاصر برادران جوینی که در مدح ایشان سروده است یکی همام تبریزی است که مدیحه و مرثیه های بسیار درباره ی این خاندان گفته و دیگر سعدی شیرازی که در مدح ایشان قصاید زیبا و استوار سروده است.

و از آن میان قصیده ی است مشهور در مدح علاءالدین عطا ملک با مطلع :

کلام باغ به دیدار دوستان ماند      کسی بهشت نکوید به بوستان ماند

خطی مسلسل و شیرین که کژ نیارم گفت      که خط صاحب دیوان ایلخان ماند

## تاریخ نگاری جوینی

از دولت مردان همچون عطاءالدین عطا ملک که با کار حساس و پر گرفتاری به تألیف و تحریر اثری تاریخی، که فراهم آوردن آن به دقت و صرف وقت و گردآوردن منابع و بررسیدن و سنجیدن اقوال و روایات نیاز دارد، پرداخته است نمی توان متوقع بود که به همه ی دقائق احوال برسد. او خود به این دشواری آگاه بوده، چنانکه در سخن از تصرف خراسان به دست لشکر توتلی پسر چنگیز، پس از وصفی که از کشتار و ویرانسازی مغول نموده که خراسان را چهار شهر بود: بلخ و مرو و هرات و نیشابور؛ بلخ را خود چنگیز خان نیست کرد و احوال سه شهر دیگر نیز یاد خواهد شد. باقی نواحی را لشکر بفرستاد و قامت را مستخلص کرد. اکثر احیا اموات گشتند.

به سختی کار خود در تألیف تاریخ جهانگشای اشاره کرده و گفته است:

اگر فارغ دلی باشد که روزگار بر تعلیق و تحصیل مصروف کند و همت او بر ضبط احوال مشغول باشد. در زمان طویل این شرح یک ناصیت تفصی نکند(رهایی نیابد) و آن را در عقد کتابت نتواند کشید تا بدانچه رسد که از روی هوس محرر این کلمات را با آنکه طرفه العینی زمان تحصیل میسر نیست، چه مگر در اسفار بعید یک ساعتی در فرصت نزول اخلاسی می کند و آن حکایات را سواد می نویسد. اما سواى مقام علمى و دانش وسیع تاریخی و دستی قوی که علاء الدین در فن انشاء و علم و هنر و دبیری داشته، این حقیقت که بسیاری از وصف و شرح های آمده است تاریخ جهانگشای حاصل مشاهده ی اوست که در جای شاهد عینی حاضر در صحنه ی وقایع و دولت مردی آگاه از رویداد ها به وصف آن پرداخته، ارزشی گران سنگ و کم نظیر به اثر تاریخی او داده است. (رجب زاده، ۱۳۸۶: ۱۴)

### خدمات عطا ملک جوینی

عطاملک هرگاه با مخالفتی از جانب یکی از کارگزاران مغول در حوزه ی حکومتی خود روبرو می شد، بی محابا او را عزل می کرد. وی دیوان انشاء را به نحوی بازسازی کرد که از آن پس نامه ها دیگر نه به عربی، بلکه اغلب به فارسی و گاه به مغولی نوشته می شد. عطا ملک در اعتبار بخشیدن به پایگاه های اسلامی، کوشش فراوانی بکار برد.

عمده ترین این پایگاه ها در نجف بود. دستور داد نهری منشعب از فرات احداث کردند که کوفه و نجف را مشروب می کرد. آب این نهر سال ۶۷۲ ه.ق به نجف رسید. در سال ۶۶۶ ه.ق کاروانسرای در نجف نزدیک آرامگاه امام علی (ع) بنا کرد تا زائرین در آن ساکن شوند. او در آبادانی بغداد نیز از هیچ کوششی فروگذار نکرد. وی برای رونق بازرگانی و تجارت، امر به ضرب سکه ی مسی داد و توانست با این اقدام کار داد و ستد را آسان تر گرداند. در خوزستان دستور داد دارالشفایی ساختند. همچنین برای اولین بار پس از ایجاد حکومت مغولی در ایران، اقدام به برقراری مجدد مراسم حج کرد. خرابی های حاصل از طغیان و سیل فرات را ترمیم کرد و به بازسازی سد ناحیه ی قمریه در بغداد فرمان داد.

در قلعه های اسماعیلیه، جوینی از هولاکو اجازه یافت که برای ملاحظه ی کتابخانه ی صباحیان به ((میمون دژ)) رود و اطلاعات خود را درباره ی وقایع حسن صباح از کتابی در همین کتابخانه و لایق نگهداری باشد فراهم آورد. شش سال از حکمرانی جوینی در بغداد در زمان هولاکو و هفده سال آن مقارن ایام حکومت اباقا و یک سال هم در زمان سلطنت احمد تکودار بود.

عطاملک و سایر خاندان جوینی، همانند سایر ایرانیانی که خالصانه به خدمت مغولان در آمدند، سرنوشت دردناکی داشتند. خواجه شمس الدین محمد جوینی در زمان ارغون شاه مورد خشم خان قرار گرفت و پس از ضبط کلیه ی اموال به وضع فجیعی به قتل رسید.

یکی از گروه های بزرگی که جوینی در تاریخ جهانگشای خود به شدت در باب آن ها انتقاد کرده، عمال و فرماندهان لشکر خوارزمشاهی است که پیروی سلطان محمد از اندیشه های ناثواب سرداران خود که به تفرقه ی سپاه و جنگ های تدافعی عقیده داشتند باعث قتل و کشتار بسیاری از مردم بی گناه شدند. از این رو جوینی از اعمال آنان با زبان طنز و تحقیر یاد می کند. پس اگر صفاتی را هم برای این افراد نسبت می دهد خالی از استهزاء و مسخره نیست. (صفا، ۱۳۶۹: ۸)

در عهد حکومت عطاملک جوینی کارخانجات بغداد به واسطه تشویق او اعتبار و شهرت فوق العاده بهم رساند و عطاملک که مردی کریم و بخشنده و در عراق دارای دستگاه سلطنتی بود و هر سال مبالغی هنگفت تقدیمی و هدیه دربار ایلخان می فرستاد و یک قسمت عمده از آن ها پارچه های قیمتی بود در اصلاح و رونق آن کارخانجات سعی بسیار داشت. (اقبال آشتیانی ۱۳۶۴: ۵۵۸)

در اهل ایلخانی و صدارت خواجه صدرالدین خالدی زنجانی بواسطه نایاب شدن سیم و زر لطمه بزرگی به پارچه های گرانبها وارد آمد و این خواجه در موقع رایج ساختن چاواز جمله احکامی که داد یکی نیز آن بود که نسج پارچه های زربفت جز آنچه به ایلخانان و شاهزادگان تعلق داشت، موقوف شد.

در عهد غازان که بار دیگر خزانه مملکت به تدبیر خواجه رشید الدین فضل اله معمر گردید و معامله به زر و سیم آزاد شد و مقدار این دو فلز در ممالک ایلخانی رو به فراوانی گذاشت؛ مجدداً بافت پازچه های قیمتی رواج یافت. (همان: ۵۵۹)

### نتیجه گیری

با نگاهی به آنچه که ذکر شد، ملاحظه می شود که تاریخ جهانگشای جوینی علاوه بر دارا بودن ارزش تاریخی، در زمینه ی ادبی نیز موقعیت برجسته ای دارد و نویسنده ی آن با مهارتی خاص و منحصر به فرد توانسته است با وجود خدمتگزاری در دربار مغولان بر بسیاری از معایب و معضلات جامعه انگشت بگذارد و نویسنده با تعلق خاطر ی که به ایران و اسلام داشته بسیاری از اعمال و رفتار های این قوم ویرانگر را مورد انتقاد قرار داده است.

آنچه منابع تاریخی بدست می دهند آن است که عطا ملک جوینی با پشتکار فراوان و با استفاده از حضور معنوی خویش در دربار ایلخانی گام های بلندی در جهت دستیابی به اهداف و آرمان های فرهنگی برداشته و البته در این مسیر چنان موفق طی طریق کرد که امروزه پژوهشگران و جستجوگران وادی تاریخ نقش او را در تجدید حیات فرهنگ، هم پایه و برابر با بزرگان و اندیشمندانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و ... قلمداد می کنند.

به هر ترتیب آشکار است، در کنار تمام خدمات و اقدامات ارزشمند جوینی، آنچه بیش از همه اسباب اشتهار و موجبات جاودانگی اش را فراهم آورده، نگارش کتاب ارزشمند و بسیار مشهور تاریخ جهانگشا است.

## منابع

- اشرفی، مجید، (۱۳۸۱)، سرگذشت خوارزمشاهیان، تهران: اهل قلم.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۶۴)، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: امیرکبیر.
- جوینی، عطا ملک بن محمد، (۱۳۸۴)، گزیده تاریخ جهانگشای جوینی، انتخاب و شرح جعفر شعار، تهران: نشر قطره.
- جوینی، عطا ملک بن محمد، (۱۳۸۴)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: داستان.
- جوینی، عطا ملک بن محمد (۱۳۸۶)، سرگذشت حاکمان مغول ایران زمین، به اهتمام سید شاهرخ موسویان و به تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: میرانیا.
- جوینی، عطا ملک (۱۳۸۴)، تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی، سه جلد، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.
- رجب زاده، هاشم، (۱۳۸۳)، سرگذشت مغولان در ایران از چنگیز تا هولاکو، تهران: اهل قلم.
- رجب زاده، هاشم، (۱۳۸۳)، سرگذشت غازان خان، تهران: اهل قلم.
- صفا، ذبیح اله، (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی، تهران: فردوس.
- جوینی، عطا ملک بن محمد، (۱۳۸۷)، تاریخ جهانگشای جوینی، مصحح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: هرمس.
- قدیانی، عباس، (۱۳۸۴)، تاریخ و فرهنگ تمدن ایران، تهران: فرهنگ مکتوب.